



## مهندسی فرهنگ به معنای طراحی، تعیین اصول، ضوابط و تنظیم نقشه‌ها است

مستطابق

برای آن لفظی را بیافرینیم یا از لفظهای گذشته یک لفظی را معادل بگذاریم. اگر ما در دستگاه زبانی خودمان؛ مفهومی به عنوان نانو تکنولوژی نداشتیم و خالق آن هم ما نبودیم؛ زمانی می‌توانیم این لفظ را به کار ببریم که تعریفی برای آن بدهیم و لفظی هم برای آن بگذاریم. آیا در مورد فرهنگ هم چنین وضعی داریم؟ پاسخ این است که اینطور نیست.

وی با اشاره به چند واژه و لغت فارسی مربوط به قبل از اسلام تأکید کرد: در زبان اوستایی، فرهنگ از "فر" و "هنگ" تشکیل شده است. یعنی از همان زمان باستان ما مفهوم فرهنگ را داشتیم و بعد در دوره اسلامی از زمان فردوسی مرتب کلمه فرهنگ را به کار برده‌ایم. مهم این است که بدانیم برآستی معنای فرهنگ در نگاه

گفتند. اگر بخواهیم تعریف فرهنگ را از طریق آن تعریف‌ها تعیین و تولید علم و مهندسی فرهنگی کنیم به نظر می‌رسد این کار مقداری اشکال دارد. ما در تعریف فرهنگ نیابستی به مراجع و منابع خارجی روی آوریم و فرهنگ را از قول آنها در داخل محتوای اطلاعاتی خودمان قرار دهیم.

حبیبی ادامه داد: اگر برای مفهوم فرهنگ؛ لفظی در زبان فارسی و عربی نداشته باشیم؛ هر لغت خارجی را که برای آن تعریف کنیم ناقص خواهد بود. از زمانی که ما لفظ را تعریف؛ بیان و ترجمه می‌کنیم؛ از آن زمان به بعد است که ما مفهوم آن را هم خواهیم داشت. ما الان در فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مورد واژه‌گزینی یا معادل‌یابی با یکی از این مشکلات روبرو هستیم. بعضی از واژه‌ها؛ ایرانی و فارسی نیست و اصلاً خالق آن علم و فن ما نبوده‌ایم. وقتی ما خالق یک فن نباشیم؛ باید ابتدا تعریفی از آن مفهوم فنی، مهندسی و علمی بدهیم و

دکتر حسن حبیبی رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در روز دوم همایش گفت: ما باید به دقت تعبیری که مرکب از دو کلمه مهندسی و فرهنگی است را معنا کنیم. یعنی بدانیم که حد و رسم مهندسی فرهنگی چیست؛ آن وقت براساس آن حد و رسمی که برای این تعبیر؛ تعیین می‌کنیم پاسخ دهیم که چگونه باید این تعبیر را هم به لحاظ نظری و بنیادی و هم به لحاظ کاربردی و عملی، اجرایی کرد.

وی افزود: شاید از جهت اینکه ما فعالیت‌های مختلفی تحت عنوان مهندسی داریم؛ مهندسی تعبیر روشنی باشد. از گذشته‌های دور در مورد فرهنگ، کاغذ بسیار سیاه کرده‌ایم. نمی‌گوییم کار غلطی است. اما باید تکلیف خود را با مسئله فرهنگ معلوم کنیم. به نظر من؛ یکی از ایرادهای عمده ما این است که به محض اینکه بخواهیم فرهنگ را تعریف کنیم می‌رویم سراغ فرنگیان و یونانیان که هر کدام از آنها در این رابطه چه

فردوسی، سعدی و حافظ چه بوده است. مفهوم فرهنگ را ما باید از آثار این بزرگان بدست آوریم و نه از فرنگیان. آنچه را که مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان امریکایی و اروپایی راجع به فرهنگ گفته‌اند غیر از آن چیزی است که منظور نظر ما است. ما باید معلوم کنیم در مهندسی فرهنگی منظورمان از فرهنگ کدام فرهنگ است؟ ما باید بدانیم تعبیر مهندسی فرهنگی چه معنا و مفهومی را می‌رساند و در مورد مهندسی کدام قسمت از مهندسی مورد نظر ما است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح کرد: مهندسی فرهنگی به عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی نهاده شده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی باید معلوم کند که در مهندسی فرهنگی آیا می‌خواهد سنگ روی سنگ بگذارد یا آنکه می‌خواهد طراحی کند و محاسبات علمی و فنی مسئله را انجام دهد. باید معلوم کنیم طیفی که مفهوم و معنای مهندسی دارد در کجا قرار می‌گیرد و در تعبیر فرهنگی چه معنایی را می‌دهد. در مورد معنای خود انقلاب فرهنگی ما بارها در شورای عالی انقلاب فرهنگی بحث کرده‌ایم که بالاخره به کارهایی که می‌پردازیم باید بپردازیم یا نپردازیم، چه مقدار باید وارد کار اجرایی بشویم. باید تکلیف هر کدام از این مفاهیم که جنبه عملیاتی و یا اجرایی پیدا می‌کند معلوم شود و در این جهت باید یک روش داشته باشیم که سالها به یک کار نپردازیم. وقتی به فرهنگ نگاه می‌کنیم؛ می‌بینیم که از تربیت و ادب گرفته تا علم، دانش و معرفت را دربر

می‌گیرد. این معنایی است که در زبان فارسی ما در مورد فرهنگ داریم. آیا مقصود ما از فرهنگ فقط همان آداب و رسوم و نکاتی است که به عنوان تجربه جمع شده است یا این یک معنای

عمومی است که ما در مورد فرهنگ داریم. به هنگام انقلاب فرهنگی؛ ما از اول نمی‌توانستیم در این آداب و رسوم و روشها تجدید نظر کنیم. بلکه تجدید نظر در همه مسائل معمول بود و علم جلوتر از بقیه؛ مورد توجه شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت. به نظر می‌رسد در تعبیر مهندسی فرهنگی؛ فرهنگ به معنای جامع کنمه منظور نظر باشد که اگر اینطور باشد بحث تولید علم را هم می‌توانیم در دل همین تعبیر مطرح کنیم. در مهندسی فرهنگی، فرهنگ به معنای روش زندگی؛ شیوه رفتار و نظایر آن حتما حضور جدی دارد. ما باید به فرهنگ توجه خاصی داشته باشیم.

حیثی در ادامه افزود: برخی از کلمات معنای صد در صد علمی دارند ولی برخی از معانی؛ مربوط به عامه مردم است. برخی اصطلاحات علمی همچون اصطلاحات فقهی، شیمی و فیزیک یا برخی از اصطلاحات فضایی متعلق به گروه خاصی است و اصلاً با مردم عادی سروکار ندارند. آنها اصطلاحات خاص خودش است. ما برخی از کلمات و واژه‌ها با همه مردم سروکار دارند. مثلاً اصطلاحات رایانه تقریباً دم دست

شده، یعنی هر دانش آموز دبستانی، راهنمایی یا دبیرستانی با قسمت عمده‌ای از اصطلاحات رایانه و به خصوص از نوع کاربردی آن سروکار دارد. بنابراین این اصطلاحات بایستی شفاف باشد و همه باید بتوانند معنای کلماتی مثل معماری و مهندسی را دریابند. مهندسی به معنای طراحی و محاسبات است. اگر این دو مفهوم را کنار هم بگذاریم، مهندسی

فرهنگی عبارت خواهد بود از طراحی، محاسبه، اجرا و الگوسازی. بنابراین اگر مهندسی فرهنگی را به معنای طراحی، تعیین اصول و ضوابط و تنظیم نقشه‌ها بگیریم یک معنای نسبتاً قابل قبولی خواهد بود. به نظر می‌رسد این نکات در بحث مهندسی فرهنگی باید مطرح شود. رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با تقسیم علوم به دو دسته علوم طبیعی و علوم انسانی

گفت: مهندسی فرهنگی در هر یک از این دو با دیگری تفاوت دارد. برای اینکه در هر معرفت و هر علمی ما دو عنصر یا دو عامل اساسی داریم. یکی فاعل شناسا یا عارف به مسئله و دیگری موضوع شناسایی، در فیزیک فاعل شناسا انسان است. ولی موضوع شناسایی ماده و با میز، تیر، تخته، معدن یا برخی از عناصر شیمیایی و عناصر فیزیکی هستند. در شرایط مساوی؛ ماده در سراسر جهان یکی است.

بنابراین شناسنده ماده چه ایرانی باشد، چه اروپایی و چه امریکایی، تفاوتی نخواهد داشت. چون ماده یکی است و می‌توان به یک شکل بررسی و مطالعه انجام داد. از این جهت گفته می‌شود علم جهانی است و واقعاً هم جهانی است. کسی که در ایران کار کرده وقتی به خارج می‌رود چهره می‌شود. اطلاعات کم و بیش یکسان است ولی آنجا همه وسایل و امکانات فراهم است اما به محض اینکه می‌آید ایران آن وسایل در اختیارش نیست. از این جهت در ایران نمی‌تواند کاری کند. این شکالی است که ما در مورد لوازم داریم. اگر وسایل، لوازم و ابزار را فراهم کنیم؛ دانشمند فیزیک، شیمی و ریاضی ما به راحتی می‌تواند مولد علم داخلی باشد؛ اگر مولد علم داخلی نیست؛ به خاطر این است که این وسایل و ابزار را ندارد و یا کم دارد. اما در علوم انسانی فاعل شناسا فرق می‌کند. جامعه ایرانی و انسان ایرانی صاحب فرهنگ و تمدن ایرانی است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در پایان گفت: فرهنگ و تمدن ایرانی با فرهنگ و تمدن انگلیسی، فرانسوی و آلمانی متفاوت هست. فلسفه لباس پوشیدن ایرانی به معنای یک معتقد مسلمان یا حتی ایرانی قبل از اسلام پوشیدگی است. این پوشیدگی در جامعه اروپایی حداقل در این سالها و چند قرن اخیر، نیست. همین نحوه پوشیدگی در مورد رفتارهایی که با پوشش ارتباط پیدا می‌کند؛ متفاوت است. بنابراین یک فرنگی نمی‌تواند در مورد این رفتارها قضاوت کند حتی اگر سالهای سال در یک کشوری باشد بسیاری از مسائل را نمی‌تواند درک کند. به لحاظ علمی و فنی یک فرنگی نمی‌تواند و حق ندارد جامعه‌شناسی ایران را بنویسد. کسانی که خواستند شرق شناس و ایران شناس باشند؛ لزوماً نوکر استعمار نبوند ولی عمداً در آن خط افتادند، چون همه چیزهایی که مربوط به شرق اسلامی و غیراسلامی و ایرانی است را نمی‌توانستند دریابند و هنوز هم نمی‌توانند دریابند. روش مطالعه و تحقیق علوم انسانی غیر از روش و نحوه کار در علوم طبیعی است. مهندسی فرهنگی دارای اهمیت چند برابر است که غیربومی نمی‌تواند در این زمینه کار کند. بنابراین، تحقیق در علوم اجتماعی و انسانی باید بسیار بسیار با دقت صورت بگیرد. ما باید برای مطالعات علوم انسانی روشهای علمی داشته باشیم. اینها نکاتی است که باید به عنوان اصول و ضوابط در بحث مهندسی فرهنگی مورد عنایت قرار گیرد.

### اگر مهندسی فرهنگی را به معنای طراحی تعیین اصول و ضوابط و تنظیم نقشه‌ها بگیریم یک معنای نسبتاً قابل قبولی خواهد بود و این نکات در بحث مهندسی فرهنگی باید مطرح شود

### وقتی به فرهنگ نگاه می‌کنیم؛ می‌بینیم که از تربیت و ادب گرفته تا علم، دانش و معرفت را دربر می‌گیرد این معنایی است که در زبان فارسی ما در مورد فرهنگ داریم